

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده اجرائی: ۲۵۷-۸۴-۲۵ اجرای احکام مدنی دادگستری نیشابور

کلاس پرونده دادرسی: ۸۳/۷۲۹ شعبه ۱۰۱ جزائی

خواهان: خانم م - ه

خواندگان: ۱- آقای م - ۱ - ۲- خانم ه ف - ۱ و س - ۱

خواسته: مطالبه سهم الارث

خواهان دادخواستی به طرفیت خواندگان بخواسته مطالبه سهم ارث از ماترک به دادگاه تقدیم نموده، دادگا جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۱ جزائی سابق ارجاع نموده و تحت رسیدگی قرار گرفته است. ملخص خواسته خواهان این بوده که من و خواندگان ورثه قانونی حین الفوت مرحوم محمد علی اکبر آبادی هستیم که ماترک آن در ید خواندگان می باشد. دادگاه با توجه به محتویات پرونده قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر نموده و کارشناس نظریه خود را اعلام نموده و از طرفین پرونده هیچ گونه اعتراضی نسبت به این نظریه واصل نشده لذا حکایت از رضایت طرفین به نظریه کارشناس بوده آنچه از نظریه کارشناسی استنباط شده این است که اموال و ماترک متوفی فیما بین آقایان قابل تقسیم نمی باشد و باید فروخته شود و وجه آن بین ورثه تقسیم گردد. بنابراین دادگاه به استناد ماده ۳۱۷ قانون امور حبسی حکم به فردش ماترک مرحوم محمد علی اکبرآبادی و تقسیم وجه آن طبق نظریه کارشناسی بین ورثه صادر نموده رای صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر استان بوده و چون طرفین از رای دادگاه تجدید نظر خواهی نکرده اند لذا رای قطعی شده است. لذا به تقاضای محکوم له اجرائیه از شعبه ۱۰۱ جزائی صادر شده و به محکوم علیه در تاریخ ۸۴/۲/۳ طبق ماده ۶۸ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ شده است و متعاقب آن محکوم له (خواهان) از قاضی اجرای احکام مدنی تقاضای اجرای مفاد اجرائیه را نموده است. قاضی اجرای احکام مدنی آقای مهر طلب را بعنوان کارشناس جهت ارزیابی و قیمت گذاری ماترک مرحوم اکبرآبادی انتخاب نموده و دستمزد کارشناس یک صد هزار ریال تعیین شده است. به آقای مهر طلب کارشناس منتخب اختاریه ای از طرف اجرای احکام ارسال شده تا با ملاحظه نظریه کارشناس آقای سجادی در پرونده دادرسی نسبت به ارزیابی اموال ماترک اقدام نشود.

نظریه کارشناس: ۱- کل ماترک مرحوم که شامل یک باب منزل واقع در خیابان کاشمر جنب مدرسه وکیلی شماره ۷ و یک باب منزل کلنگی و قدیمی و گلی و یک قطعه باغ

میمی محصور به دیوار گلی به مساحت حدود ۲۰۰ مترمربع و یک سهم آب مشاع از مدار ۲۲ سهم از یک حلقه چاه با اراضی مربوطه واقع در روستای اکبرآباد از تودیع بخش عشق آباد می باشد.

۲- کل تجهیزات یک سهم از ۲۲ سهم ثمن اعیان و منزل واقع در اکبرآباد و باغ میمی ۱۷۶۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی می گردد که ۱/۸ از ثمن اعیان آن سهم خانم هدایت همسر مرحوم ۲۲۰۰۰۰۰ ریال تعیین می شود.

۳- در مورد اسباب و اثاثیه که مورد ادعای خواهانها. ورثه های مرحوم خانم هدایت صورت جهیزیه یا در اختیار دارد که طبق محتویات این برگ جهیزیه که به امضای چندین نفر در شورای اسلامی روستای بوژآباد رسیده کلیه اثاثیه موجود که در حال حاضر مشاهده می شود متعلق به خانم هدایت می باشد و چیز دیگری مشاهده نمی شود نهایتاً به نظر اینجانب سهم کل خانم هدایت از ثمن اعیان کلیه موارد فوق جمعاً ۶۴۵۰۰۰۰ ریال محاسبه و مابقی متعلق به بقیه ورثه بعد از پرداخت مبلغ اعلام شده می باشد.

اخطاریه ای از طرف دادورز اجرای احکام مدنی به محکوم له و محکوم علیه ارسال شده تا نسبت به ملاحظه نظریه کارشناسی به اجرا احکام مدنی مراجعه و در صورتی که به نظریه کارشناسی اعتراضی دارید اعتراض خود را کتباً اعلام نمایید لذا هیچ گونه اعتراضی نسبت به نظریه کارشناسی واصل نشده است لذا دادورز اجرای احکام دادگستری شهرستان نیشابور آگهی مزایده اموال غیر منتون نوبت اول در روزنامه حمایت منتشر نموده و در روزنامه حمایت مرقوم شده که به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۲۵۷/۸۴/۲۵ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزائی نیشابور آقای محمد امین، فاطمه، ساعت اکبرآبادی محکوم است به فروش ماترک مرحوم محمد علی اکبرآبادی و تقسیم وجه آن برابر نظریه کارشناسی و مبلغ ده هزار ریال بابت نیم عشر دولتی چون تا کنون محکوم علیه نسبت به پرداخت دیون خود اقدامی ننموده و حسب تقاضای محکوم له یک باب منزل کلنگی و قطعه باغ میمی به مساحت ۱۶۱ متر مربع دارای پلاک ۵۹۱ فرعی از ۱۸۹ فرعی که توسط کارشناس دادگستری به مبلغ ۱۲۰۲۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۸۴/۵/۳۰ از ساعت ۸ الی ۹ در محل اجرای احکام مدنی با حضور نماینده دادگستری از طریق مزایده به فروش

می رسد اخطاریه ای از طرف دادورز اجرای احکام مدنی به محکوم علیه ارسال تا جهت برگزاری مراسم مزایده حاضر شوند چون نسبت به خرید اموال غیر منقول نوبت اول شخصی پیدا نشده لذا آگهی مزایده در روزنامه حمایت منتشر شده در موقع مزایده اموال طی سوربسیس ای مسوم له خانم مریم هدایت یک صد و بیست میلیون و دویست هزار ریال با امتیاز اشتراک تلفن ۲۲۴۹۷۶۰ خریداری می نمایم و به خانم هدایت اعلام گردید که حداکثر الباقی مورد مزایده را ظرف یک ماه به حساب

سپرده تودیع و قبض حاصله تحویل اجرای احکام مدنی گردد. پس از تنظیم صورت جلسه دادورز محترم اجرای احکام مدنی به قاضی اجرای احکام مدنی اعلام داشته با توجه به فروش ششدانگ پلاک ۵۹۱ فرعی مجزی شده از ۱۸۹ فرعی دستور فرمائید در صورت صحت برگزاری مزایده دستور انتقال سند به خریدار صادر گردد و قاضی اجرای احکام مدنی مرقوم داشته که پرونده عیناً در اجرای ماده ۱۴۳ قانون اجرای احکام مدنی جهت صدور اوامر مقتضی به دادگاه صادر کننده حکم ارسال گردد. در وقت فوق العاده رئیس شعبه ۱۰۱ جزائی تشکیل جلسه داده و مرقوم داشته پس از ملاحظه محتویات پرونده و دوبار مزایده خرید ملک وفق نظریه کارشناسی توسط خانم مریم هدایت به علت اینکه ایرادی در سیر مراحل قانونی به چشم نمی خورد لذا به استناد ماده ۱۴۳ قانون اجرای احکام مدنی ضمن تنفیذ عملیات اجرایی و مزایده انجام شده صدور سند انتقال از نظر این دادگاه بلامانع می باشد.

قاضی اجرای احکام مدنی مراتب را به دفتر خانه محترم اسناد رسمی شماره ۲۰ نیشابور جهت تنظیم سند تعداد سه دانگ پلاک ۵۹۱ فرعی مجزا شده از ۱۸۹ فرعی از ۲۲۴ اصلی بخش ۲ نیشابور و اشتراک تلفن ثابت ۲۲۴۹۷۶۰ به نام خریدار مریم هدایت اعلام نموده و در پی آن سر دفتر اسناد رسمی شماره ۲۰ نیشابور مرقوم داشته که اسناد غیر منقول موضوع پلاک ۵۹۱ فرعی جدا شده از ۱۸۹ فرعی از پلاک ۲۲۴ اصلی بخش ۲ نیشابور و تلفن ثابت به شماره ۲۲۲۵۵۶۴ تنظیم گردید لذا نماینده آن مقام جهت امضا ذیل اسناد و دفاتر ثبت اعلام نمایند و آقای ابوالحسن کابلی کارمند محترم اجرای احکام دادگستری نیشابور بعنوان نماینده دادگستری معرفی شده است و الباقی ثمن ملک مورد نظر طی قبض سپرده به شماره ۱۰۶۵۳۸ به مبلغ ۲۶۲۵۰۰۰ ریال و حواله های مورخه ۸۴/۷/۳۰ به مبلغ ۴۳۵۰۰۰۰۰ ریال و حواله مورخه ۸۴/۷/۳۰ به مبلغ ۷۵۲۵۰۰۰ ریال پرداخت شده و تحویل محکوم علیه هم

شده و ملک مورد مزایده به مبلغ ۵۹۷/۸۵۰ ریال بدهکار می باشد و مبلغ ده هزار ریال بابت حق الاجراء دولتی پرداخت صفحه ریال بابت نیم عشر دولتی فاطمه اکبرآبادی واریز شده است و مبلغ ۵۹۷/۸۵۰ ریال به سپرده دادگستری واریز شده است متعاقب آن در تاریخ ۸۴/۹/۲۱ در دایره اجرای احکام مدنی تقاضای قبض سپرده شماره ۹۳۵۰۲۲ را نموده که قبض موصوف بابت هزینه های تنظیم سند برابر قبوض ارائه شده در وجه خانم هدایت ظهر نویسی و تحویل گردید و نامبرده اظهار داشته اینجانب به حق شرعی و قانونی خود نسبت به پرونده اجرایی رسیده و هیچ گونه ادعایی ندارم و تقاضای مختوم شدن پرونده را خواستارم.

نظریه کارآموز: ۱- طبق ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ که بیان داشته از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در این پرونده کارشناس تمام اسباب و اثاثیه خانه را طبق صورت جهیزیه متعلق به خانم مریم هدایت دانسته به نظر کارآموز این نظریه غیر عقلانی است از این جهت که خانم مریم هدایت و شوهر مرحومش از زمان اول ازدواج با اثاثیه ای که خانم هدایت طبق صورت جهیزیه به خانه مرحوم آورده زندگی کرده اند و هیچ وسیله ای اعم از اختصاصی یا مشترک در این بین توسط شوهر مرحومش خریداری نشده است.

۲- طبق ماده ۳۱۷ قانون امور حسبی که بیان شده در صورتی که مالی اعم از منقول یا غیر منقول قابل تقسیم و تعدیل نباشد ممکن است فروخته شده بهای آن تقسیم شود. فروش اموال به ترتیب عادی بوده مگر آنکه یکی از ورثه فروش آن را به طریق مزایده درخواست کند. در حالی که با بررسی دقیق اوراق پرونده توسط کارآموز مشاهده نشده که درخواست یا تقاضایی از طرف یکی از ورثه بابت فروش مزایده از اجرای احکام مدنی باشد ولی دادورز اجرای احکام مدنی ما را از طریق مزایده و انتشار آگهی در روزنامه در معرض فروش قرار داده است.

نام و نام خانوادگی کارآموز: ...
شماره پرونده آموزش: ...
صفحه: ...
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۸۵/۵۲۶ ح ۳ شعب سوم حقوقی دادگستری نیشابور
خواهان ها: خانم ص - ح و غیره
خواندگان: آقای م - ح و غیره
خواسته: اعتراض ثالث

وکیل خواهانها در دادخواست بیان داشته که یک دستگاه کامیون بنز مدل ۱۳۵۶ به شماره شهربانی ۱۱۸۸۱ مشهد - ۹۲ بابت بدهی محکوم علیه خوانده ردیف یک به خواندگان ردیف دوم و سوم به عنوان محکوم لهما پرونده اجرائی ۱۰۱۰ - ۸۴ - ۲۵ توقیف و ارزیابی و امروز مراسم مزایده آن می باشد و متاسفانه سه دانگ از کامیون مذکور به نام مرحوم الیاس

مورث خواهانها بوده و بر اساس اسناد رسمی از راهنمایی و رانندگی قابل استعلام می باشد، و از طرفی سه دانگ دیگر کامیون مذکور به نام محکوم علیه بوده و بر اساس مفاد قولنامه مورخه ۸۴/۱/۲۴ به خواهان ردیف ۴ به مبلغ ۱۹ میلیون تومان در سال گذشته واگذار گردیده و مسجلین ذیل قولنامه حاضر به اداء گواهی در محضر دادگاه می باشند و از طرفی با توجه به مراتب فوق اشاره چون کامیون مذکور وسیله امرار معاش و کسب و کار خواهانها بوده که قریب مدت ۳ ماه در پارکینگ توقیف می باشد و این امر با مفاد بند و ماده ۵۲۴ ق.آ.د.م و همچنین ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مخالفت دارد. بنابراین استدعا دارم با اخذ تامین مناسب نسبت به رفع توقیف اتومبیل مذکور مستنداً به ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی دستورات مقتضی را صادر فرمائید. پرونده جهت رسیدگی به شعبه سوم حقوقی ارجاع داده شده و با توجه به اینکه ملاحظه پرونده اجرائی استنادی خواهانها ضروری به نظر رسیده پرونده وصول و در وقت فوق العاده ملاحظه شده که اجرائیه ای مربوط به دادنامه شماره ۸۳/۹/۱۵-۳۸۹/۵۴ علیه حمدرضا حیدری به مبلغ سه میلیون و چهار صد و هشتاد هزار تومان بابت اصل خواسته و ششصد و پنجاه هزار ریال به نفع ابوالفضل بوژمهران صادر شده و در پرونده های مذکور اقداماتی در جهت توقیف یک دستگاه کامیون شماره ۱۱۸۸۱- از ناحیه اجرای احکام مدنی بعمل آمده است.

دادگاه با عنایت به محتویات پرونده مبادرت به صدور قرار نموده است.

قرار دادگاه (توقیف عملیات) در خصوص اشخاص ثالث نسبت به توقیف یک دستگاه کامیون بنز شماره ۱۱۲۹-۸۴-۲۵ اجرای احکام مدنی با توجه به محتویات پرونده و دلائل خواهانها دادگاه قرار توقیف عملیات اجرائی نسبت به کامیون شماره فوق در پرونده های اجرائی مذکور را مستنداً به قسمت ذیل ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی صادر و اعلام نموده است. به اجرای احکام مدنی طی شرحی اعلام شده که با توجه به صدور قرار توقیف عملیات اجرائی باز مزایده و فروش کامیون فوق الذکر خود داری شود و به وکیل خواهانها اخطاریه ای جهت رفع توقیف از کامیون شماره فوق تامین به مبلغ پنجاه و شش میلیون ریال و حساب دادگستری واریز و فیش بانکی به دادگاه ارائه نمایند. خوانده ردیف اول طی لایحه ای اعلام نموده که قبول و اقرار می کنم که سه دانگ سهم مالکیت خود را در تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۴ به برادرم امیر حیدری خواهان ردیف چهارم به مبلغ هفده میلیون و سیصد هزار تومان فروخته و وجه آن را خریدار به آقای محمد جعفری که مبلغ هفت میلیون تومان که از من طلبکار بوده داده است. مسجلین ذیل قولنامه خواندگان اظهار نموده اند که ما آگاه هستیم که محمدرضا حیدری سه دانگ ماشین فوق الذکر را به امیر حیدری (برادش) فروخته است.

شماره دادنامه: ۱۲۸۱/۴۲-۱۵/۱۰/۱۷-۱۵/۱۰/۱۷ موضع کلاسه پرونده ۵۲۶/۸۵ شعبه سوم حقوقی .

رای دادگاه: وکیل خواهان با اعلام اینکه یک دستگاه کامیون بنز مدل ۱۳۵۶ به شماره شهربانی ۱۱۸۸۱ مشهد ۹۲ که بابت بدهی محکوم علیه (خوانده ردیف اول) به خواندگان دوم و سوم به عنوان محکوم لها توسط اجرای احکام مدنی توقیف و ارزیابی شده سه دانگ کامیون به نام مرحوم الیاس حیدری مورث خواهان ها بوده و سه دانگ دیگر را محکوم علیه ردیف اول (محمدرضا حیدری) برابر مفاد قولنامه ۸۴/۱/۲۴ به خواهان ردیف چهارم (امیر حیدری) واگذار نموده و مسجلین قولنامه حاضر به اداء گواهی می باشد تقاضای رفع توقیف کامیون مذکور را مستنداً به ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی نموده است وکیل خواهان ها همچنین در لایحه شماره ۸۴۱-۸۵/۸/۶ پذیرفته که خواندگان (دوم و سوم) تنها حق توقیف سهم پسر بخش خوانده ردیف اول از سه دانگ کامیون که به نام مورث خواهانها می باشد را داشته و اعلام نموده بر اساس نظریه ارزیابی کارشناس فقط می توان سهم پسر بخش را محکوم علیه (خوانده ردیف اول) از سه دانگ کامیون را بابت مطالبات محکوم لهما مدنظر قرار داد. لایحه ۶۴۹-۸۵/۶/۲۱ اقرار نموده که سه دانگ کامیون متعلق به مرثه خواهانها و خوانده ردیف اول) بوده و سه دانگ دیگر را به برادرش امیر حیدری طی قولنامه ۸۴/۱/۲۴ فروخته است با عنایت به مراتب فوق و محتویات پرونده و مستندات ارائه شده از ناحیه خواهانها منجمله قولنامه ۸۴/۱/۲۴ مبنی بر فروش سه دانگ کامیون توسط خوانده ردیف اول به خواهان ردیف چهارم و صورت ریز اموال مرحوم الیاس حیدری حسب مفاد رونوشت مصدق گواهینامه مالیات برارث که اشاره به سه دانگ کامیون شماره فوق گردیده و با عنایت به اظهارات گواهان خواهانها و سایر مدارک ارائه شده از ناحیه وکیل خواهانها که موید صحت ادعای خواهانها می باشد دادگاه دعوی خواهانها در مورد رفع توقیف از کامیون شماره فوق در مقابل پرداخت سهم الارث خوانده ردیف اول از قیمت کارشناس سه دانگ کامیون شماره فوق را وارد دانسته و با پذیرش دعوی اعتراض خواهانها و مستنداً به ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی حکم به رفع توقیف یک دستگاه کامیون فوق الذکر به نفع خواهانها در مقابل پرداخت سه الارث خوانده ردیف اول از قیمت سه دانگ کامیون شماره فوق در مرحله اجرای احکام که برابر نظریه کارشناس بایستی محاسبه و توسط خواهانها بابت محکومیت خوانده ردیف اول در پرونده های اجرائی شماره های فوق پرداخت شود صادر و اعلام گردیده و رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید در دادگاههای محترم تجدید نظر خراسان رضوی می باشد.

نظریه کارآموز: آنچه مدنظر کارآموز قرار گرفته این است که خواهانها و خواننده ردیف اول جزء ورثه های مرحوم الیاس حیدری بوده و مرحوم دارای یک کامیون بوده که سه دانگ اتن طبق سند رسمی به نام خودش بوده و سه دانگ دیگر آن به نام خواننده ردیف اول بوده و سه دانگ سهم خودش را خواننده ردیف اول به خواهان ردیف چهارم طی قولنامه تاریخ ۸۴/۱/۲۴ فروخته است. محکوم لهما پرونده اصلی کامیون را توقیف و ارزیابی نموده اند با توجه به اینکه سه دانگ کامیون به نام شخصی ثالث بوده رفع توقیف شده و سه دانگ به نام مرحوم الیاس حیدری با توجه به اینکه خواننده ردیف اول یکی از ورثه مرحوم بوده و از این مال منقول ارث می برد لذا نسبت به حکم الارث خواننده ردیف

اول می تواند مال را توقیف کند و از طرفی طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۹۱ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۲ اتومبیل با توجه به شقوق ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی از جمله مشثیات دین شمرده نشده و بنابراین تامین آن برای وصول طلب طلبکار بلامانع است. مستناد از شقوق دیگر صفحه ص ثالثی در آن اتومبیل سهمی داشته باشد نمی توان اتومبیل را در پارکینگ متوقف کرد زیرا به حقوق شخص ثالث لطمه می زند، ولی تامین و توقیف سهمی بدهکار که قابل نقص و انتقال نباشد اشکالی ندارد.

شماره پرونده آموزش

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان
صفحه

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده اجرائی: ۸۲/۷۴۱ - ۲۵ اجرای احکام مدنی دادگستری نیشابور
کلاس پرونده دادرسی: ۲۱۹۷۲ - ۸۵ شعبه ۴ حقوقی دادگستری نیشابور
کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۸۰۷ - ۸۱ شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان خراسان
خواهان: آقای ر - چ
خوانده: خانم ن - ت

خواسته: خلع ید و قلع و قمع بنای احداثی

خواهان طی دادخواستی تقاضای خلع ید و قلع و قمع بنای احداثی به مقدار ۲۵ مترمربع همراه با هزینه دادرسی را به دادگاه تقدیم نموده و در شعبه چهارم عمومی سابق مورد رسیدگی قرار گرفته است و خواهان به موجب سند مالکیت شماره ۱۷۵۴ ثبت دفتر خانه شماره ۱۱ صفحه ۲۱۷ بخش یک نیشابور مالک یک باب منزل به نحو ششدانگ بوده که بعلت در طرح قرار گرفتن مقداری از آن تخریب و داخل ممر عمومی شده و باقیمانده که حدود ۲۵ متر مربع بوده بلامعارض باقی مانده و خوانده آن را تصرف و بنا احداث نموده که قبلاً تقاضای خلع ید کرده و حکم شماره ۲۰۸۵/۳۲۲ مورخه ۸۰/۷/۳۰ به خلع ید صادر شده است. لذا خواهان خواسته خود را نسبت به خلع ید مسترد نموده لذا نسبت به خلع ید طبق ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م قرار ابطال دادخواست صادر شده و در مورد قلع و قمع بنای احداثی حکم به نفع خواهان صادر شده رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر استان خراسان مورد رسیدگی قرار گرفته است. البته در مورد خلع ید خواهان قبلاً طی پرونده کلاس ۷۸-۸۰ و اینکه رای موصوف بدون رعایت و مد نظر قرار دادن ماده واحده لایحه قانونی راجع به رفع تجاوز و جبران خسارات وارده به املاک مصوب ۵۸/۹/۲۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، صادر گردیده و احتمال تضییع حق وجود دارد پرونده را در اجرای ماده ۳۳۶ و ۳۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی به دادگاه تجدید نظر استان ارسال نموده اند و پرونده به شعبه ششم دادگاه تجدید نظر مرکز استان ارجاع و تحت کلاس

۱۸۰۷-۸۱ مورد رسیدگی قرار گرفته است. شعبه ششم مورخه ۸۱/۱۱/۲۳ مبادرت به تصمیم ارجاع به هیئت کارشناسی نموده، تا کارشناسان در مورد اینکه تجاوز صورت گرفته یا خیر و اگر تجاوز صورت گرفته مقدار تجاوز و ارزش مورد تجاوز را تعیین نماید که انجام این امر را به دادگاه نیشابور نیابت داده که نیابت انجام و پرونده در این مرحله از اجرای حکم آقای رجبعلی چیتیان پسرش به نام مهدی چیتیان را بعنوان نماینده تام الاختیار جهت اجرای حکم و یا وصول مبلغ تعیین شده و یا اعلام رضایت به دادگاه معرفی نموده است و در همان جلسه اظهار داشته که ملک خدو را به قیمت کارشناسی واگذار نمی کنم یا حکم صادره اجراء مقدار ۲۵ مترمربع تحویل اینجانب گردد و یا اینکه با همین کیفیت مقدار ۲۵ متر مربع در همان محدوده خریداری و تحویل اینجانب گردد. با عنایت به اینکه مقدار بنایی که قرار است قلع و قمع گردد و در یک ساختمان جدید الاحداث دو طبقه می باشد و منجر به ایراد خسارات فراوانی به محکوم علیها خواهد شد و از این جهت فعلاً حکم صادره قابلیت اجراء ندارد لذا اجرای احکام مدنی از دادرس شعبه چهارم ارائه طریق نموده و از طرفی علیها دادخواست توقیف عملیات اجرائی را به دادگاه تقدیم نموده و متعاقب آن دادرسی شعبه چهارم به اجرای احکام مدنی مرقوم داشته که با عنایت به قطعیت دادنامه موجبی برای جلوگیری از حکم موجود نمی باشد لذا حکم مذکور به نحوی اجرا شدو که ضرری به دیگران وارد نیاید و با توجه به اینکه کارشناس به منظور جلوگیری از قلع و قمع و تخریب ساختمان با عنایت به ماده واحده قانون شماره ۵۸/۹۲۷ شورای انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از ضرر و زیان متقابل مبلغ ده میلیون ریال تعیین و محکوم علیها این مبلغ را به حساب سپرده دادگستری تودیع نموده است با عنایت به اینکه محکوم له به نظریه کارشناس اعتراض نموده لذا مقدار ملک مورد نظر توسط سه نفر کارشناس به اسامی ۱- آقای زرگرانی ۲- آقای صحت ۳- آقای مروجی با هزینه هر کدام یک صد هزار ریال مورد ارزیابی قرار گرفته و با توجه به موقعیت محل- شرایط اقتصادی بازار و شکل و قواره زمین باقیمانده که داخل در ساختمان محکوم علیها پرونده اجرائی قرار گرفته است ارزش هر مترمربع عرصه مبلغ چهار صد و پنجاه هزار ریال و ارزش کل عرصه محکوم به مساحت ۲۵ متر مربع یازده میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال مورد ارزیابی قرار گرفته است و پس از گذشت مدتها محکوم له و محکوم علیها توافق نموده اند که محکوم علیه مبلغ بیست و پنج میلیون ریال پرداخت نماید تا رضایت خود را اعلام نماید لذا در جلسه مورخه ۸۵/۱۰/۱۲ وکیل محکوم له آقای مهدی چیتیان رضایت خود را مشروط به تحویل گرفتن قبوض پرداختی که توسط محکوم علیه واریز شده اعلام نموده و محکوم علیها تعداد چهار فقره حواله بانکی صندوق قوامین و سه برگ قبض سپرده واریز نموده و مجموع حواله ها و قبوض بیست و پنج میلیون بوده و تحویل آقای مهدی چیتیان نموده و محکوم له بیان داشته که به حق و حقوق خودم

رسیده ام لذا تقاضای مختومه شدن پرونده را دارم و چنانچه چکهای صندوق قوامین وصول نشد جهت ارائه عملیات اجرائی مراجعه خواهم نمود اعاده گردید. شعبه ششم به خواننده پرونده اخطار نموده که طبق نظر کارشناسان قیمت زمین مورد تجاوز را به صندوق دادگاه تودیع که نهایتاً ابلاغ قانونی شده لکن از ناحیه مشارالیهها اقدامی صورت نگرفته اینک با دقتی که نسبت به خواسته خواهان و رای صادره مبذول گردید ملاحظه گردیده خواسته خواهان منحصراً خلع ید بوده و رای دادگاه نیز وفق خواسته صادر گردیده- از مفاد ماده واحده لایحه قانونی مارالذکر چنین استفاده می شود که اعمال ماده مزبور در زمانی است که خلع ید و قلع بناء مورد خواسته باشد در ما نحن فیه خواسته صرفاً خلع ید بوده رعایت ماده موصوف ضرورتی ندارد، چون قلع بناء مورد حکم قرار نگرفته و جز خواسته خواهان نبوده است بنا به مراتب فوق رای مورد بحث صحیحاً صادر گردیده مستنداً به ذیل ماده ۳۲۸ قانون آ.د.م دادگاه های عمومی و انقلاب رای صادره ۲۰۸۵/۳۲۲- ۵۸/۹/۳۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار خواهد داد، رای صادره قطعی می باشد خواهان از دادگاه بدوی تقاضای صدور اجرائیه نموده و برگ اجرائیه نسبت به حکم قلع و قمع بنای احداثی در ۲۵ متر خلع ید شده و نیم عشر دولتی صادر شده و در تاریخ پانزدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو طبق ماده ۶۸ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ شده است و در پی آن محکوم له تقاضای اجرای حکم و تخریب قلع و قمع را از اجرای احکام مدنی نموده و آقای مجید علیمردانی بعنوان کارشناس انتخاب و اخطاریه ای در خصوص پرونده اجرایی رجبعلی چیتیان به طرفیت نورالهدی تفرشیان نسبت به قلع و قمع بنای احداثی در ۲۵ متر مربع اقدام در غیر این صورت برابر مقررات ملک تخریب و هرگونه خسارت به عهده خودتان است ارسال شده و محکوم علیه بیان داشته که در سال ۱۳۷۴ طبق مجوزات قانونی آن را ساخته ام اکنون در سال ۱۳۷۸ خواهان ادعا نموده است که مقداری از زمین ملک ایشان که کلاً در تعریف خیابان قرار گرفته لذا خواهشمند است طبق نظریه کارشناس نسبت به قیمت آن برابر عرفه روز اعلام تا وجه آن را تقدیم نمایم. کارشناس محترم آقای مجید علیمردانی به همراه دادورز اجرای احکام آقای قلعه نوئی و خواهان به محل مورد نظر رفته و نظریه کارشناس بدوی و هیئت کارشناسی برای خواننده قرائت شد و محکوم علیها اظهار داشته که هم اکنون همسر و پسر م در مشهد هستند، به ایشان ۳ روز مهلت داده شد صفحه لب نماید و گرنه محکوم قلع و قمع اجرا گردد، که طبق نظریه کارشناس پرونده، این معدار ۲۵ متر مربع تصرفی در ضلع شرق منزل خواننده و ساختمان احداثی به ابعاد ۵×۵ متر قرار دارد. بدیهی است اگر خواهان رضایت دهد که به جای تخریب ساختمان، ارزش زمین مورد ادعا را دریافت نماید، زمین مذکور که در

حال حاضر به مقدار متر مربعی ۴۰۰۰۰۰ ریال معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰ ده میلیون ریال ارزش دارد.

نظریه کارآموز: با توجه به اینکه خواننده زمین بلامعارض را تصرف نمود و بنا احداث نموده است طبق ماده ۳۰۸ قانون مدنی که مرقوم داشته اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است. خواننده غاصب بود لذا در اولین مرحله باید عین را برگرداند و اگر رد عین ممکن نباشد بدل آن را بدهد. یعنی زمینی به همین اندازه در همان محل خریداری کند و به شخص خواهان واگذار نماید. ۲- رئیس حوزه قضائی تقاضای اعمال ماده واحده راجع به رفع تجاوز و جبران خسارات وارده به املاک مصوب ۵۸ شورای انقلاب اسلامی را طبق ماده ۳۲۸ و ۳۳۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی نموده ولی آنچه از مفاد این ماده واحده دادگاه تجدید نظر استنباط کرده این است که در صورتی می توان این ماده واحده را اعمال کرد که خواسته خواهان هم خلع ید و قلع و قمع بنای احداثی باشد در صورتی که در این مورد فقط خواسته قلع و قمع بوده است. ولی به نظر کارآموز دادگاه بدوی می توانست ماده واحده را اعمال کند چون قبلاً طی حکم خلع ید صادر شده و بعد در دادخواست دیگر خواسته خود را قلع و قمع بنای احداثی قرار داده و حکم در این مورد به نفع صادر شده است یعنی خواسته خواهان خلع ید و قلع و قمع بوده ولی با دو تا دادخواست جداگانه مورد رسیدگی قرار گرفته است. و از طرفی دیگر تا زمانی که خلع ید صورت نگیرد چگونه می توان قلع بنای احداثی را مطرح نمود.

شماره پرونده آموزش

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان

۲۰/۸۴۰۲:

شعبه سوم حقوقی دادگستری نیشابور

کلاس پرونده: ۱۰۶۷ / ۸۵ ح ۳

تجدید نظر خواه: آقای ح - ص

تجدید خوانده: شرکت پرند خراسان

خواسته: تجدید نظر از رای شورا

تجدید نظر خواه در دادخواست خود بیان داشته که تقاضای تجدید نظر خواهی نسبت به دادنامه شماره ۹۵ مورخه ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ کلاس پرونده ۸۴/۱۸۴ صادره از حوزه ۱۱۷ حل اختلاف شهرستان نیشابور را دارم و در شرح دادخواست اظهار نموده که اینجانب با شرکت پرونده همکاری تجاری (خرید و فروش) داشته و پس از تحویل اجناس وجه نقد و حواله دریافت می داشته که اختلاف حساب پیدا نموده تعدادی از حواله ها را که مقداری از وجه آنها را پرداخت - مجدداً شرکت حواله دریافت که خواستار رسیدگی و حل اختلاف را دارد. تمامی حواله ها را تجدید نظر خوانده طی پرونده ها (۸۴/۱۸۴) (۸۴/۱۸۵) - ۸۴/۱۸۶ و ۸۴/۱۷۹ و ۸۴/۱۸۲ و ۸۴/۱۹۲ و ۸۴/۱۸۰) در حوزه ۱۱۷ مورد رسیدگی و همگی طی یک تاریخ دادنامه صادر شده است. در تاریخ ۸۵/۲/۲۴ نسخه ثانی دادخواست به تجدید نظر خوانده ابلاغ شده تا ظرف ۱۰ روز لایحه ای ارسال دارند.

لایحه تجدید نظر خوانده: همانگونه که تجدید نظر خواه در دادخواست تجدید نظر خواهی اعلام داشته اند که با این شرکت همکاری تجاری (خرید و فروش) داشته و پس از تحویل گرفتن اجناس از این شرکت وجه حواله را پرداخت می نموده است و تعدادی از همین حواله ها که این شرکت طرح دعوی نموده است وجوه آن را پرداخت نموده است و این در حالی است که تجدید نظر خواه در جلسه دادرسی مورخ ۸۴/۱۲/۲۰ در نزد اعضای محترم صراحتاً به بدهی خود نسبت به این شرکت اقرار نموده است و در چندین جلسه ای که در آن حوزه جهت رسیدگی به پرونده های این شرکت تجدید نظر خواه حضور داشته اند مرتباً اظهار می داشتند که رسید دادند و یا تجدید جلسه رسیدگی آنها را ارائه می نماید اما اینگونه نبوده و نامبرده فقط با این عمل قصد اطاله دادرسی را داشته و در جلسه مورخه ۸۴/۱۲/۱۷ بدون امضا صورت جلسه تنظیمی از سوی اعضای محترم حوزه جلسه دادرسی را ترک نموده است و چنانچه مشارالیه مدعی پ صفحه حواله های مضبوط در پرونده می باشد خواهشمند است دادگاه محترم ر مایند و این در حالیست که تصویری از

یک فقره رسید داده شده توسط نماینده این شرکت بدون اینکه مصدق گردد به این شرکت ابلاغ گردیده است و از سوی نماینده شرکت آقای محسن خیاط مورد گواهی قرار نگرفته است آنهم به لحاظ اینکه نامبرده اظهار داشته که در قسمت شماره حواله که در رسید عادی و پیوست دادخواست تجدید نظر قید شده به خط نامبرده نمی باشد و احتمال اینکه در رسید دستکاری و جعلی صورت گرفته باشد.

خلاصه جریان پرونده در شورای حل اختلاف: خواهان (شرکت پرند خراسان) تقاضای صدور حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۹۰۰۰۰ ریال وجه از فقره حواله تعاونی میزان تحت شماره ۴۴۶۷۸۵ مورخه ۸۴/۱۰/۱۰ و صدور قرار تامین خود و خسارات تاخیر تادیه را نموده است.

لایحه خوانده (حسن صادقی): اولاً اینجانب به همراه آقای اسماعیل صدیقی فرزند قربا به آدرس فعلی شهرک فرهنگیان- شهید سوم، نبش خیام ۱۲ پلاک ۱۰۱ در مغازه فرآوردههای گوشتی واقع در پنجره نبش امام خمینی ۱ شریک بوده و نامبرده در تامی نفع و ضرر شرکت داشته و بایستی تحمل نماید.

از تقاضای جلب ثالث به موجب دادخواست علی حده تقدیم خواهد شد. ثانیاً اینجانب مبالغ زیادی را به شرکت پرند پرداخت نموده و تعدادی از حواله های مربوط به حسابهای مربوطه را از شرکت بعد از اینکه مهمور به مهر شرکت شده است مسترد نموده ام و تعداد زیادی از حواله های تقدیمی به شرکت مسترد نشده است و تقاضای ارجاع امر به حسابداری رسمی و کارشناس را دارم در اولین جلسه دادرسی در حوزه حل اختلاف خوانده بدهی خود را تماماً به شرکت خواهان قبول دارم و می پردازم و شورای حل اختلاف با توجه به محتویات پرونده و اینکه خوانده اظهار داشته که با شخصی به نام صدیقی شراکت داشته و از ایشان نیز بایستی در سود و زیان و پرداخت وجه حواله ها شرکت داشته باشند به لحاظ اینکه اصل حوالجات توسط شخص خوانده صادر گردیده و به امضا مشارالیه رسیده و با توجه به اصول اسناد جاریه کشور استقلال امضا که اشتغال ذمه خوانده را به همراه دارد و فقط این موضوع باعث اطاله دادرسی و جلوگیری از حق و حقوق این شرکت می باشد لذا تقاضای رد دادخواست مشارالیه را دارم.

کلاس پرونده: ۸۴-۱۸۴ شماره دادنامه: ۸۴/۱۲/۲۷-۹۵

رای شورا: شورای حل اختلاف در پیده خواهان و گواهینامه عدم پرداخت تعاونی اعتباری محال علیه و دفاعیات بلا وجه خوانده و اینکه خوانده دفاع موثر و مدرکی که موید عدم اشتغال ذمه وی باشد ابراز ننموده خوانده را به پرداخت مبلغ ۹ میلیون ریال بابت اصل خواسته و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست

(۸۴/۱۲/۱) محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظر در محاکم محترم حقوقی نیشابور می باشد بعد از اینکه خوانده نسبت به رای شورا تجدید نظر خواهی نموده است.

پرونده در شعبه سوم حقوقی قابل رسیدگی قرار گرفته است.

شماره دادنامه ۱۱/۱۰۷۰-۸۵/۹/۷- موضوع کلاسه پرونده: ۸۵/۱۰۶۷ شعبه ۳ حقوقی

تجدید نظر خواه: حسن صادقی

تجدید نظر خوانده: شرکت پرند خراسان

تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره ۹۵-۸۴/۱۲/۲۷ حوزه ۱۱۷ شورای حل اختلاف

نیشابور

رای دادگاه بدوی: در خصوص تجدید نظر خواهی حسن صادقی از دادنامه شماره ۹۵-

۸۴/۱۲/۲۷ حوزه ۱۱۷ شورای حل اختلاف نیشابور که طی دادنامه شماره فوق تجدید نظر

خواه بابت صدور حواله شماره ۴۴۶۷۸۵-۸۴/۱۰/۱۰ به پرداخت نه میلیون ریال و خسارت

تاخیر تادیه به نفع تجدید نظر خوانده محکوم شده است. دادگاه در خصوص خسارت تاخیر

تادیه نظر به اینکه غیر از چکهای بانکی در سایر موارد خسارت تاخیر تادیه صریحاً در

مقررات موضوعه پیش بینی نگردیده و چنانچه مقصود مطالبه خسارت موضوع ماده ۵۲۲

ق.آ.د.م باشد موجبات و شرایط مطالبه خسارت مذکور (تمکن مدیون و تغییر فاحش قیمت

سالانه) برای دادگاه محرز نبوده فلذا در این قسمت ضمن پذیرش دعوی تجدید نظر و ضمن

نقض دادنامه تجدید نظر خواسته حکم به رد دعوی خواهان بدوی را صادر و اعلام می نماید

و در سایر موارد و محکومیت تجدید نظر خواه به پرداخت وجه حواله مذکور به مبلغ نه

میلیو ریال با عنایت به محتویات پرونده و اینکه در این مرحله از رسیدگی تجدید نظر خواه

دلیلی که از موجبات نقض صفحه سته باشد ارائه ننموده ضمن رد تجدید

نظر خواهی دادنامه تجدید نصر حواسه در این خصوص تایید می نماید رای صادر حضوری

و قطعی می باشد.

نظریه کارآموز: ۱- خواهان پرونده اصلی در دادخواستی که به شورای حل اختلاف داده بود

تقاضای مطالبه وجه به همراه قرار تامین خواسته نموده و با توجه به اینکه حواله شامل بند

ج ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی نمی باشد ولی

شورای حل اختلاف می توانست طبق بند دال ماده ۱۰۸ قانون مرقوم قرار تامین خواسته

صادر نماید. حال اگر چه قرار تامین صادر نشده است هیچ اظهار نظر و تصمیمی در این

مورد در پرونده گرفته نشده است. ۲- خواهان در دادخواست خسارت تاخیر تادیه را مورد

رسیدگی قرار داده و شورای حل اختلاف رای به خسارت تاخیر تادیه از زمان تقدیم

دادخواست داده در حالی که خسارت تاخیر تادیه غیر از چکهای بانکی در سایر موارد صریحاً در مقررات موضوعه پیش بینی نشده و چنانچه مقصود مطالبه خسارت موضوع ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب در امور مدنی است موجبات و شرایط مطالبه خسارت مذکور (تمکن مدیون و تغییر فاحش قیمت سالانه) محرز نیست تا نسبت به خسارت حکم دهد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان
شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده اجرائی: ۸۳/۱۹۸۷ - ۲۵ اجرای احکام مدنی دادگستری

نیشابور

کلاس پرونده: دادرسی: ۸۳/۶۱۷ حوزه حل اختلاف ۸

خواهان: آقای م - ا

خوانده: آقای ح - ج

خواسته: فسخ قرار داد و مطالبه اجور معوقه

خواهان در دادخواست تقدیمی به حوزه ۸ حل اختلاف تقاضای صدور حکم به فسخ قرار داد اجاره یکباب منزل مسکونی به صورت طبقه واقع در خیابان شرکت گاز میلان پرورش و مطالبه اجور معوقه از تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۵ الی صدور حکم بقرار ماهی شصت و شش هزار ریال نموده است. و در حوزه ۸ حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گرفته و طرفین در جلسه مقرر در شورا توافق نمودند که تمام بدهی خوانده که سه ماه اجاره می باشد در مورخه ۸۳/۱۱/۶ پرداخت نماید و منزل را هم تخلیه کند و نیز بدهی های آب، برق، گاز و تلفن تسویه شود و هنگامیکه خوانده تمام بدهی خود را تسویه نمود چک و سفته های خود را دریافت نماید. لذا مستنداً به مواد ۱۷۸ و ۱۸۰ و ۱۸۲ و ۱۸۴ قانون آ.د.م دعوی مخاطبین نامبردگان مختومه سازش اعلام و بر اساس مرضات حاصله میان متداعیین گزارش اصلاحی صادر و اعلام گردید مفاد گزارش بین طرفین و قائم مقام قانونی آنان قطعی و لازم الاجرا است. گزارش اصلاحی به طرفین در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۳۰ ابلاغ شده است و اخطاریه اجرائیه به موجب گزارش اصلاحی شماره ۶۳۹ مورخه ۸۳/۱۰/۱۲ محکوم علیه محکوم است به تخلیه یک باب منزل (طبقه فوقانی) و پرداخت سه ماه اجاره به قرار ماهی ۶۶۰۰۰ تومان و نیز بدهی های آب، برق، گاز، تلفن در حق خواهان، ضمناً پس از تسویه کامل چک و سفته های محکوم علیه توسط محکوم له داده شود. در تاریخ ۸۳/۱۲/۱۰ طبق ماده ۶۸ ابلاغ شده است و متعاقب آن محکوم له (خواهان) تقاضای اجرای مفاد اجرائیه نموده است. و نظریه ماده ۶ آئین نامه اجرای قانون روابط موجر و مستاجر سال ۱۳۷۶ که در تراز زمان گذشته اجرای دستور تخلیه نیاز به صدور اجرائیه ندارد. و به استناد ماده ۳ همین قانون که تخلیه بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی بعمل می آید لذا تقاضای اجرای عملیات اجرائی و النهایه تخلیه مورد متنازع فیه را دارم. دادورز محترم اجرای احکام مدنی اخطاریه ای به محکوم علیه ارسال داشته و در اخطاریه مرقوم شده که به محکوم علیه سه روز مهلت داده

می شود تا نسبت به تخلیه مورد متنازع فیه و تحویل کلید آن به اجرای احکام مدنی اقدام شود. و در تاریخ ۸۳/۱۲/۲۸ پس از انقضاء مهلت دادورز اجرای احکام مدنی در معیت محکوم له به محل وقوع منزل مراجعه که در محل مورد نظر محکوم علیه حضور داشت و تقاضای مهلت سه ساعت نمود که مورد توافق محکوم له قرا گرفت و در ساعت ۱۱ یوم جاری محکوم علیه در دایره اجرایی احکام حاضر و کلید منزل را تحویل داد متعاقب آن دادورز محترم در معیت محکوم له به محل اجرای حکم عزیمت و ملاحظه شده که منزل کاملاً تخلیه شده و محکوم له اقرار به تصرف نموده است و محکوم له تقاضای اجرای مفاد اجرائیه نسبت به وجه نقد محکوم به را نموده بلافاصله قاضی اجرای احکام مدنی به کلانتری خدمات نیشابور اعلام نموده که در معیت محکوم له به آدرس محکوم علیه مراجعه و مبلغ ۲۰۲۴۹۰۰ ریال از محکوم علیه اخذ شود با توجه به اینکه توسط کلانتری خدمات نیشابور نتوانسته محکوم علیه را اخذ کند لذا به خاطر اینکه محکوم علیه حقوق بگیر کارخانه روغن نباتی سه گل خراسان اعلام نموده که نظر به اینکه آقای حسین جمالی فرزند عزیزالله محکوم است به پرداخت مبلغ ۲۰۲۴۹۰۰ ریال بابت اجور معوقه سه ماه منزل استیجاری و بدهی آب و برق و تلفن لذا دستور فرمائید ماهیانه یک چهارم از حقوق و مزایای مشارالیه توقیف و پس از تودیع به حساب ۹۶۰۰۲ سپرده دادگستری نزد بانک ملی فضل نیشابور قبض حاصله در پرونده اجرایی ارسال گردد. در پی این نامه مدیریت محترم کارخانه روغن نباتی سه گل خراسان اطلاع داده به مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ ریال طی چک شماره ۵/۸۹۳ مورخه ۱۳۸۴/۴/۱۱ عهده بانک ملی و از گردیده خواهشمند است وصول آن را اعلام نمائید. و بقیه مبلغ بدهی طبق قبض سپرده به محکوم له پرداخت شده و محکوم له پس از دریافت کل محکوم به رضایت خود را اعلام و تقاضای مختومه شدن پرونده را نموده لذا به لحاظ رضایت محکوم له پرونده از آمار کسر و بایگانی شده است.

نظریه کارآموز:

یک نکته ای که مد نظر کارآموز قرار گرفته این است هر چند در قانون استخدام کشوری و یا قانون نظام پرداخت کارکنان دولت و قانون کار به طور صریح از انواع مزایا اسم برده نشده ولی از مجموع مواد (۴۱ و ۴۳ و ۷۱ و ۱۳۶) و تبصره های ((۴ و ۶)) ماده (۱۳۷) قانون استخدام کشوری چنین بر می آید که از مجموع دریافتهای مستخدم آنچه که مربوط به کار و فعالیت بیشتر از حد تکلف صفحه باشد مانند اضافه کار، حق التدریس و غیره و همچنین وجوهی که وزارتخانه و یا سازمان مربوطه علاوه بر دریافتهای ماهانه مستخدم مانند پاداش و عیدی و کمک خوار و بار و غیره به او می پردازند جزء مزایای مستمر یا غیر مستمر نبوده و در نتیجه مشمول مقررات ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی

نیست بقیه دریافتهای مستخدم که مربوط به پست سازمانی او می باشد از جمله فوق العاده شغل، فوق العاده خارج مرکز یا کشور بدی آب و هوا مشمول مقررات ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی بوده، ثلث و ربع آن قابل توقیف است.